هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

سرمقاله

انتقال مسوولیت امنیتی و شدت ناامنی در کشور

ص۲

بُن دوم و چشم انداز ثبات در افغانستان

ص۵

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ یازدهم ۲۸ جوزای ۱۳۹۰ ١٦ رجب المرجب ١٤٣٢ - 18 Jun 2011

پاکستان و تلاش های صلح در افغانستان



حامدکرزی رئیس جمهور افغانستان در ادامهٔ تلاش ها برای رسیدن به صلح، اخیراً سفرهایی به کشورهای منطقه داشت. به نظر می رسد در آستانهٔ سپردن مسوولیت های امنیتی به نیروهای افغان، رئیس جمهور کرزی تلاش دارد تا همکاری کشورهای منطقه به خصوص پاکستان را در جهت نیل به صلح و امنیت در افغانستان جلب نماید.

کرزی در یک سفر دو روزه به پاکستان که وی را جمعی از اراکین بلند پایهٔ دولت همراهی می کردند، در حقیقت سفری به جواب سفر یوسف رضا گیلانی داشت. بعد از کشته شدن اسامه بن لادن به دست نیروهای امریکایی در ایبت آباد، این نخستین سفر کرزی به پاکستان بود.

موضوع مهم در این سفر افتتاح نخسین اجلاس کمیسیون مشترک صلح میان دو کشور بود که در سفر گیلانی به کابل روی آن توافق صورت گرفت. روز شنبه ۲۱ جوزا این کمیسیون نخستین جلسهٔ خود را به ریاست یوسف رضا گیلانی صدراعظم پاکستان و حامدکرزی رئیس جمهور افغانستان دایر کرد.

در مورد اینکه این کمیسیون تا چه حد روی روند امنیت و صلح در افغانستان تاثیر گذار خواهد بود، در دو کشور نظریات متفاوت است. مقامات بلندپایهٔ پاکستانی مدعی اند که تروریسم خطر مشترک برای صلح و ثبات در هردو کشور بوده بنابراین تشکیل این کمیسیون ص۳

پیروزی عثمانی های نو در بازی جدید

سید عنایت الله شاداب/ استاد دانشگاه کابل



حزب عدالت و توسعه که اگاهان عرصهٔ بازی های سیاسی دوران معاصر گاهی از آن به عثمانیان جدید نام می برند، با پیروزی مکرر خویش این حقیقت را به نمایش گذاشت که مردم ترکیه گذشتهٔ خویش را از یاد نبرده اند و شایستگی آن را دارند که در تحولات جدید جهان معاصر به حیث یک بازیگر فعال و پیروز نقش آفرینی کند و پیروزی خویش را نه تنها پیروزی ملت ترکیه نه بلکه، از آن به پیروزی حوزهٔ تمدنی خود نیز به شمار آرند.

رجب طیب اردوغان که در انتخابات یکشنبهٔ هفتهٔ گذشته توانست با گرفتن ۳۲۶ کرسی از ۵۵۰ کرسی پارلمان، پیروزی در رهبری نظام سیاسی ترکیه را از آن حزب عدالت و توسعه کند، در نخستین بیانیهٔ خویش از تمایل و آرمان مردم ترکیه یاد آور شده و حرکت جدید ملت ترکیه به رهبری حزب توسعه و عدالت را به حرکت تبدیل شدن به « فریاد خاور میانه و مسلمانان » جرگهٔ کشورهای غربی، به نمایش گذاشته و گفت: « مردم بوسنی ، لبنان ، سوریه ، و فلسطین هم ازین پیروزی سود خواهند برد و یادآور شد که: « باور کنید مردم سارایو، بیروت ، دمشق ، رام الله ، نابلس، جنین، کرانهٔ باختری و بیت المقدس هم به اندازهٔ مردم استانبول، ازمیر، انقره و دیار بکر برندگان این انتخابات هستند».

پیروزی حزب عدالت و توسعه برای بار سوم در انتخابات سال جاری بر حزب سکولار جمهوری خلق به رهبری « کمال قلیچ دار اوغلو» که همان حزب ایجاد شدهٔ آتاترک می باشد- بیانگر چند نکتهٔ ذیل است ص۶

ایمن الظواهری به حیث رهبر گروه القاعده منصوب شد



بعد از کشته شدن اسامه بن لادن رهبر شبکهٔ القاعده در ایبت آباد پاکستان، گمان بر این می رفت که ایمن الظواهری شخص شماره دوم این شبکه که سال ها به حیث معاون اسامه فعالیت داشت، در پُست رهبری قرار گیرد. که چنین نشد و از طریق رسانه ها شخصی به نام سیف العدل، که گفته می شود اهل کشور مصر و در عین حال جوان است، خود را به حیث رهبر القاعده گماشته بود. اما صفحهٔ انترنیتی السحاب که گفته می شود مربوط گروه القاعده است به تاریخ ۲۶جوزا خبر گماشتن ایمن الظواهری را به حیث رهبر این شبکه منتشر نموده است. به گفتهٔ چینل تلویزیونی العربیه و به نقل از منابع القاعده که از طریق این تلویزیون نشر شده، گماشتن ایمن الظواهری را به حیث رهبرالقاعده تائید نموده است. ایمن الظواهری نیز اهل کشور مصر است و حدود ۶۰ سال عمر دارد. گفته می شود که در حملات ۱۱ سپتامبر رول مهمی داشته است.

آیا لست های سیاه سفید خواهد شد؟

ص۶

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، چوک دهمزنگ به استقامت سرک دارالامان، دست چپ نرسیده به هوتل کابل شاهان
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۰۲۸۵۱۳۹
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

انتقال مسوولیت امنیتی و شدت ناامنی در کشور

نبود امنیت در کشور معضله ای است بحران آفرین ، که شهروندان از این ناحیه سخت رنج می برند. حملات انفجاری و انتحار خطراتی می باشد که موجب نگرانی بیش از پیش مردم گردیده است. روزی نیست که شاهد کشته و زخمی شدن شهروندان در گوشه و کنار کشور نباشیم.

هفتهٔ گذشته، دفتر سازمان ملل متحد در افغانستان با ابراز نگرانی، طی اعلامیه یی گفتن که، سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ ، ماه می امسال مرگبارترین ماه برای غیر نظامیان بوده است. به گفتهٔ یوناما ۳۷۰ فرد ملکی کشته و ۶۰۰ تن دیگر زخمی شده اند. پیش از این نیز دفتر سازمان ملل در افغانستان، تلفات افراد ملکی در سال ۲۰۱۰ را ۳۰۰۰ نفر اعلام کرده بود.

این همه تلفات شهروندان، نمایانگر نبود امنیت در کشور است که آگاهان امور دفاعی و امنیتی بحران امنیت در کشور و تلفات شهروندان را ناشی از ضعف نیروهای امنیتی و دفاعی و نداشتن تدابیر لازم در این زمینه می دانند.

برخی تلفات افراد ملکی، در اثر بمبارمان نیروهای خارجی و حملات شبانهٔ آنان رخ می دهد که بر علاوهٔ فشارها و التیماتوم رئیس حکومت در مورد بند شدن چنین حملات که بدون هماهنگی نیروهای افغان صورت می گیرد، اما نیروهای خارجی در راه اندازی عملیات ها تأکید نموده و چنین آن را موثر دانسته اند.

افزایش تلفات غیر نظامیان، کشته شدن فرماندهان و شدت حملات گروه های مخالف دولت، در حالی اوج می گیرد که قرار است مرحلهٔ اول انتقال مسوولیت امنیتی، در اواخر سرطان در ولایات بامیان، پنجشیر، شهر هرات، شهر کابل، برخی از شرق لغمان، مزار شریف و لشکرگاه به نیروهای امنیتی کشور سپرده شود. مرحلهٔ دوم که ماه دسمبر گفته شده، تا حال ساحات آن افشاء نشده است.

از سوی دیگر تلاش های شورای عالی صلح جهت مذاکره و پیوستن طالبان و گروه های مسلح مخالف دولت ادامه دارد که رئیس این شورا در جمع هیئتی با رئیس جمهور کرزی هفتهٔ گذشته سفری به پاکستان داشتند و از جمله با مولانا فضل الرحمن رهبر جمعیت العلمای آن کشور که با طالبان میانهٔ خوبی دارد، در زمینهٔ صلح و همکاری آن ها در راه اندازی این پروسه صحبت نمودند طبق گزارش رهبر جمعیت العلمای پاکستان وعده داده است که با طالبان دیدار و در پروسهٔ صلح همکاری می نماید. وی همچنان متذکر شده است که حضور نیروهای خارجی در افغانستان خود عامل جنگ اند.

دولت افغانستان بعد از سفر پاکستان می گوید، حال بر دولت پاکستان است که باید تعهداتش را در قبال افغانستان عملی و از نفوذ خود بر طالبان افغانستانی استفاده کرده آنان را وادار به مذاکره و صلح با دولت افغانستان نماید.

سفیر امریکا در افغانستان نیز ریشه اصلی طالبان را در پاکستان می داند و طوری که اظهار داشته است،« افغانستان تا زمانی نمی تواند از مزایای صلح دایمی بهره مند شود که در برابر مراکز اصلی مخالفان مسلح در پاکستان به عنوان یک مشکل جدی اقدام صورت نگیرد. این برای همهٔ ما، پاکستان، امریکا و افغانستان مشکل خواهد بود تا پیروزی را به دست بیاوریم.»

این یک امر مسلم است که بدون همکاری صادقانهٔ خود افغان ها، جامعهٔ جهانی، کشورهای همسایه، به خصوص پاکستان استقرار صلح در کشور بعید به نظر می رسد. که همکاری همگانی را در تأمین صلح دایمی و ختم جنگ خواهانیم و به امید روزی که در کشور ما صلح تحکیم، امنیت و آرامش و ثبات تأمین، و نیروهای دفاعی و امنیتی ما توان این را دریابند تا بتوانند از نوامیس ملی، تمامیت ارضی کشور دفاع بکنند و مستقلانه کمر همت بربندند و متعهدانه و صادقانه و شجاعانه در برابر متجاوزین بایستند و بر سربلندی افغانستان و شهروندان آن بیفزایند.

تاریخچهٔ جمعیت اسلامی افغانستان ۵

خاطراتی از محمد نسیم فقیری

پس از رخصتی، زمانی که نوجوان از لیسه بیرون می رفت متوجه شد که تعدادی از مردم در سه راه اول شهر (قوماندانی پولیس، بانک و درملتون) جمع شده و به سخنرانی گوش می دهند. وقتی نزدیک شدیم محمد ظاهر خطیبی (۶) را دیدیم که در حال مریضی و داشتن تبخال برای مردم در مورد جریان لیسه و معلم سپورت سخنرانی می نماید و داکتر عبدالشکور نیز در کنار او است.

فردای آن، تعدادی از نمایندگان مردم علما تحت قیادت مولوی عبداللطیف کاسی گر به لیسه آمدند و معاون مجبور شد که مولوی صاحب سخنان معلم سپورت را تقبیح و واکنش ما را تأیید نمود و شادباش گفت و اضافه نمود که در گام اول اداره مکتب و شخص معاون که پسر یک مولوی هم است در زمینه اقدام خواهد کرد و درغیر آن مردم تحت رهبری علما پیگیر این قضیه بوده و شما خود را تنها احساس نکنید و معلم باید اعدام و حداقل حبس گردد و بهر صورت در ولایت لغمان نباید دیده شود..

این سخنان مولوی صاحب بما جرئت و قوت قلب بیشتر بخشید.

معاون لیسه به متعلمین اوراق سفید توزیع نمود که شرح ماجرای آن روز را بنویسند و با وجود تلاش های زیادی خلقی ها و پرچمی ها که معمولاً همه کمونیست ها و همه نیروهای ضد نهضت در یک صف قرار می گیرند- اکثر قریب به اتفاق متعلمین. واقعیت را نوشتند و بالاخره معلم سپورت که بعد از آن واقعه هرگز به کدام صنف نرفته بود از لغمان به جای دیگر تبدیل و به زودی مهترلام را ترک گفت. این واقعه، اولین خیزش نهضت اسلامی و نخستین پیروزی آن در برابر کمونیست ها در ولایت لغمان بود. مولوی امیرزاده از علماء و واعظ آتش زبان و مشهور لغمان در نماز جمعه مسجد جامع شهر مهترلام این پیروزی را به مردم تبریک گفت و از متعلمین تشکر کرد و گفت که یک نوجوان در برابر کفر و کمونیسم قیام کرد و از عقیده و ایمان ما و شما دفاع نمود و بعد از او نام برد و گفت که «پاخیزد» او که در جمع نماز گزاران بود، برخاسته و همه نگاه هابه سوی او دوخته شد و همه تکبیر گفتند.

با این پیشینه ها و زمینه ها برای برگزاری تظاهرات در ۳ عقرب ۱۳۵۰ آماده می شدیم. چون سابقه و تجربه رهبری مظاهره را نداشتیم بنا برین رهبری نهضت در کابل به ما اطمینان داده بودند که یکی از برادران را آنجا خواهند فرستاد. به تاریخ اول و دوم عقرب مصروف تهیهٔ پارچه و چوب برای شعارها و بیرق ها شدیم و دو مغازهٔ صحافی ملامحمد شاکر و مغازهٔ ساعت سازی مولوی محمد صادق ماهر به دلیل نداشتن تجربه درین زمینه، نخستین شعار را با رنگ قلم و نی نوشتیم که رنگ سرایت کرد و متوجه شدیم که باید از رنگ روغنی استفاده کنیم و همان بود که شعار ها توسط عطاء الله (۷) متعلم صنف دوازدهم لیسهٔ روشان که خوش خط بود، نوشته شد. شعارها و بیرق ها شامل کلمهٔ توحید ؛ آیات قرآنی در بارهٔ جهاد، مرگ بر استعمار شرق و غرب، ما حکومت اسلامی می خواهیم و.. بود

ساعت ۹ صبح سوم عقرب از جلو دکان ساعت سازی ملودی ماهر با سردادن تکبیر مظاهره را آغاز کردیم در حالی که جمعاً بیشتر از ۲۰یا ۳۰ نفر نبودیم مظاهره به سوی لیسهٔ روشان به راه افتاد و بالای دیوار لیسه و متصل مدیریت معارف به سخنرانی آغاز کردیم.

بعد از دو سخنرانی کوتاه به طرف مسجد جامع به راه افتادیم در حالی که جمعیت ما بیشتر شده بود و اکثریت آنرا متعلمین لیسهٔ روشان تشکیل می داد. بالای دیوار کم ارتفاع محوطهٔ مسجد جامع به ایراد سخنرانی پرداخته و جمعیت تظاهر کننده به هزاران نفر بالغ گردید که تا مقر ولایت، چوک مرکزی و اطراف آنرا پوشانیده بود.

در ین جابود که مولوی های مشهور چون مولوی امیرزاده و مولوی فضل الرحمن به ایراد خطابه های پرشور و جذاب پرداخته و عملاً هدایت و کنترول مظاهره را از ما گرفتند. مولوی صاحب فضل درحین سخنرانی یک گیلاس آب خواست و آنرا سر کشید- در حالی که ماه مبارک رمضان بود- و گفته شد که از هیجان متوجه روزه نه شده و بعضی به نقل از او گفتند که آنروز را که جهاد دانسته و افطار نمودند...

درین روز کمونیست ها نیز طبق معمول مظاهره داشتند: خلقی ها، پرچمی ها و شعله یی ها هر کدام از یک نقطهٔ شهر به یک نقطه دیگر در

> **حادثهٔ لغمان در تمام کشور و به خصوص مطبوعات باز تاب وسیع داشت. همه جراید به اصطلاح آزاد از قبیل، پیکار ، افکار تو، کاروان پیام و جدان ، مساوات، روزگار و... در محکومیت این حادثه با پرچمی ها و خلقی ها وشعله یی ها هم صدا شدند و اشک ماتم ریختند فقط در جریدهٔ گهیح مقاله ای تحت عنوان «آیا شورای زنده است؟» به چاپ رسید و از عواقب همسویی با کمونیست ها و خطرات رشد افکار و جریانات کمونیستی هوشدار داد این مقاله از استاد محمد ظاهر خطیبی بود که بدون نام به نشر رسیده بود.**

حرکت بودند شعارها می دادند و سخنرانی می نمودند.

سخنرانی های جمعیت و به خصوص علماء برضد کمونیست ها چنان هیجان آور و تحریک کننده بود که جمعی از مردم تظاهر کننده، مسجد جامع را ترک گفته و به سراغ کمونیست ها رفتند و مظاهرات آنانرا برهم زده شعارها و بیرق های سرخ شان را پاره کرده و با چوب و مشت و لگد بر آنان هجوم بردند. شهر یکپارچه خشم و عصیان و هیجان شده بود.

مردم در سرکوب کمونیست ها بر یکدیگر پیشی می گرفتند. ما چند نفر از نو جوانان مکتب با فریادهای بلند از مردم می خواستیم که محل اجتماع را ترک نگویند و فقط به سخنرانی ها گوش بدهند ولی خواهش و الحاح ما کارگر نیفتاد و جمعی از مردم به دنبال کمونیست ها رفتند و هر لحظهٔ به تعداد شان افزوده می شد.

با مشاهدهٔ این وضع ، پس از مشورت با تنی چند از برادران به دیوار محوطهٔ مسجد بالاشده و ختم مظاهره را اعلام کردند هر چند با صراحت گفته شد که مظاهره ما جوانان مسلمان در همین جا خاتمه یافت ولی گویا گوش شنوایی وجود نداشت: اکثر ما جوانان مکتب پراگنده شدیم ولی مردم در صنحه باقی ماندند و علماء مظاهره و سرکوب کمونیست ها را ادامه دادند.

در نتیجهٔ حوادث این روز و در اثر قهر و خشم مردم، یک تن از پرچمی ها به نام عبدالرحمن ولد عبدالقادر که مامور دولت و از قریهٔ محمد پور مرکز لغمان بود زیر ضربات توده های خلق جان سپرد و ده ها تن دیگر مجروح گردیدند که محمدسالم (۸) شعله یی از قریه چهاردهی از آن جمله بود. او توانست که به حالت مجروح سوار بر گادی و در زیر چوکی آن پنهان شود و از شهر فرار نماید.

....

۶- پوهنمل محمد ظاهر خطیبی فرزند مولوی محمد جان خطیب مسجد جامع مرکز لغمان فارغ مدرسه نجم المدارس ننگرهار با در جه اول و فارغ فاکولتهٔ شرعیات پوهنتون کابل در سال ۱۳۵۵ و شامل کدر علمی آن فاکولته در سال ۵۶ و پس از کودتای ثور در ۵۷ مهاجر به پاکستان و با تأسیس پوهنتون دعوت و جهاد به حیث استاد در فاکولته اصول الدین مصدر خدمت گردید. در اوایل بهار سال ۶۹ به حیث امیر ولایتی لغمان در جمعیت اسلامی افغانستان انتخاب و در ۱۲ جوزای ۱۳۶۹ شب هنگام و در حالت خواب در منزل خویش واقع تهکال پشاور توسط دشمنان دین و وطن به شهادت رسید. او علاوه بر دانش و بینش عالی، خوش صورت و خوش صوت خوش خط و خوش اخلاق نیز بود همه او را دوست می داشتند و فرشته خصال می خواندند. استاد ربانی در مراسم تجلیل و بزرگداشت از شخصیت استاد خطیبی گفت که آدمکشان از کشتن انسان ها سیر شده و اکنون به قتل فرشته ها اقدام می کنند.

۷- نگارنده.

۸- عطی الله ولد شهید قاضی فضل الله از قضات و علمای مجاهد، باشندهٔ قریهٔ باغمرزای مرکز ولایت لغمان. از پیشگامان نهضت اسلامی در ولایت لغمان و در اوایل جوانی مدت کوتاهی با شعله یی ها بود و با درک ماهیت ضد دینی آنان به زودی برگشت و در صف اول تحریک اسلامی در لغمان قرار گرفت او فعلاً در پشاور پاکستان مهاجر و دارای یک درملتون (داروخانه) می باشد.

۹- محمد سالم از شعله یی های معروف آن وقت بود. بعد ها تعادل روحی را از دست داد و شاید در اثر همان حادثه بوده باشد. پس از قیام مسلحانه ۵۴ که به زندان افتادیم نامبرده را در محبس لغمان دیدم که به جرم غیر سیاسی محبوس بود.

پاکستان و تلاش های صلح در افغانستان

وحید مژده

می تواند به صلح و ثبات در هردو کشور و منطقه کمک نماید اما در میان افغان ها هنوز هم در مورد صداقت جانب پاکستان شک و تردید فراوان وجود دارد.

در نخستین اجلاس این کمیسیون از جانب افغانستان استاد برهان‌الدین ربانی رئیس شورای عالی صلح، زلمی رسول وزیر امور خارجه، ژنرال شیر محمد کریمی رئیس ستاد ارتش، رحمت‌الله نبیل سرپرست ادارهٔ امنیت ملی، جاوید لودین معاون وزارت خارجه و عمر داوودزی سفیر افغانستان در اسلام آباد شرکت داشتند.

از طرف پاکستان هم حنا ربانی کهر سرپرست وزارت خارجه، ژنرال اشفاق کیانی رئیس ارتش، ژنرال شجاع پاشا رئیس سازمان اطلاعات ارتش - آی اس آی - سلمان بشیر معاون وزیر خارجه، محمد صادق سفیر پاکستان در کابل شرکت داشتند.

سوال اصلی اینست که آیا پاکستان واقعا توانمندی ایجاد صلح و ثبات در افغانستان را آنگونه که در مورد آن تبلیغ می شود دارد؟

در طول چند دههٔ گذشته این نکته به اثبات رسید که نقش پاکستان در رابطه با محیط بیرونی اش بوده و خودش عاری از منابع استراتژیک است. رهبران پاکستان برای استفاده از شرایط خارج از مرز های خودش تا حد زیادی استفاده برده اند. آنها با درک و فهم درست از موقعیت خویش در هر مقطع از زمان بهره برداری نموده و برای خود مزیت خلق کرده اند.

امروز هم وقتی ما می گوئیم که فقط پاکستان است که می تواند به ایجاد صلح و ثبات در افغانستان کمک نماید، در حقیقت نقش پاکستان در رابطه با محیط بیرونی اش را می پذیریم. نتیجهٔ این باور ما می تواند بیشتر از افغانستان به نفع پاکستان باشد.

پاکستان دیگر کشور قدرتمندی نیست. برای هرکسی که وقایع پاکستان را از نزدیک دنبال می کند این نکته می تواند بسیار تعجب برانگیز باشد که وقتی "سلمان تاثیر" گورنر ایالت پنجاب به قتل می رسد، مردم به دفاع از قاتل وی بر می خیزند و از وی به عنوان یک قهرمان استقبال می کنند. این مردم نه طالب اند و نه پیوندی با القاعده دارند ولی احساساتی که توسط این مردم به نمایش گذاشته شد برای ناظران غربی سخت تعجب آور بود.

این نکته به روشنی نمایانگر این حقیقت است که رهبران سیاسی پاکستان اعتبار خود را نزد ملت خویش از دست داده اند و در مورد توان این رهبران برای آوردن صلح در افغانستان تاحد زیادی مبالغه شده است. آنهائی که در کشور خودشان توان ایجاد ثبات را ندارند، در افغانستان چه خواهند کرد؟

به عنوان مثال مولوی فضل الرحمن رئیس جمعیت العلمای اسلام در پاکستان دیگر نزد طالبان از اعتبار سابق برخوردار نیست. او متهم به همکاری با امریکاست زیرا هنگام حملهٔ امریکا به افغانستان، با سکوت از این حمله حمایت کرد.

طالبان تاکنون چندبار تلاش نموده اند تا وی را بکشند در حالی که شخص کم آزار تر از وی یعنی مولوی محمد حسن جان که مدرسهٔ وی در دههٔ نود میلادی از خاستگاه های مهم طالبان به شمار می آمد به دست طالبان بقتل رسید.

در پاکستان هیچ رهبر سیاسی نمی گوید که من دیگر تاثیری بر طالبان ندارم زیرا تظاهر به داشتن رابطه با طالبان در افغانستان خطر ایجاد می نماید اما در پاکستان وسیله ای برای گرفتن امتیاز است.

پاکستان می داند که مشکلات امریکا در افغانستان سرانجام این کشور را وادار خواهد ساخت تا نقش بیشتری برای پاکستان در این کشور جنگ زده در نظر بگیرد. تا زمانی که پاکستان احساس می کند ایران و هند نفوذ بیشتری در افغانستان یافته اند، هرگز نباید به لبخند های ظاهری سیاستمداران این کشور در برابر دوربین خبرنگاران را نشان از حسن نیت تلقی کرد.

تردیدی نیست که پاکستان توان تداوم جنگ را در افغانستان دارد که از انگیزه حضور نیروهای خارجی در افغانستان در این رابطه سود خواهد برد اما در مورد توانمندی این کشور در تامین صلح، جای تامل فراوان است و حتی قطع کمک های پاکستان به طالبان به معنی پایان جنگ نیست زیرا در این منطقه کشور های دیگری هم هستند که می توانند در صورت تداوام حضور امریکا در افغانستان، از مقاومت مسلحانه در این کشور به عنوان وسیله ای برای ایجاد دردسر برای امریکا استفاده نمایند و کار درافغانستان را از کنترول پاکستان خارج سازند.

با خرابی روابط میان پاکستان و امریکا، یکبار دیگر پاکستان در صدد برآمد تا از افغانستان به عنوان وسیله ای برای فشار بر امریکا استفاده نماید. صدراعظم پاکستان از افغانستان خواست تا به جای امریکا به چین نزدیک شود.

کاهش اهمیت پاکستان برای امریکا سبب خواهد شد تا امریکا به هند و پاکستان به چین نزدیک شود. هرچند چین در شرایط فعلی در موقعیتی نیست که بتواند به پیمانهٔ امریکا به پاکستان کمک کند اما پاکستان که از حساسیت چین در سیاست های امریکا در این منطقه از جهان به خوبی آگاه است، بار دیگر برای خود نزد امریکا مزیت سازی می کند و به نظر می رسد که در این رابطه موفق بوده است.

***

کنفرانس شانگهای می توانست یک چالش مهم فراراه ناتو باشد در طول ده سال گذشته طوری عمل کرده که گوئی در انتظار فرصت است. سازمان همکاری شانگهای یا «اس.سی.او» در سال ۲۰۰۱ به مثابه یک ضد وزنه امنیتی دربرابر ناتو تشکیل شد تا به روسیه و چین مجال اعمال نفوذ در آسیا را در برابر ایالات متحده امریکا بدهد. اما این سازمان از بدو تاسیس، بیشتر به همکاری های اقتصادی میان کشورهای عضو تاکید داشته و از رویائی با ناتو احتراز نموده است.

حامدکرزی روز سه شنبهٔ هفتهٔ گذشته، برای شرکت در اجلاس شانگهای عازم آستانه مرکز جمهوری قزاقستان شد. سرگی پریخودکو مشاور ارشد دیمتری میدویدوف در امور خارجی گفته است که کنفرانس عالی شانگهای در این نشست اجندای مشخصی برای گفتگو ندارد اما بحث روی اوضاع افغانستان از موضوعات مهم مورد بحث خواهد بود.

کشورهای عضو همکاری شانگهای شامل کشورهای منطقه ای هستند که از ناامنی های افغانستان به صورت مستقیم یا غیر مستقیم تاثیر پذیر اند بنابراین موضوع گرفتن مسوولیت های امنیتی توسط نیروهای افغان، آغاز خروج نیروهای خارجی از افغانستان، مذاکره با طالبان، قراداد استراتژیک افغانستان و امریکا و مبارزه با مواد مخدر از موضوعات مورد بحث خواهد بود.

پس وقتی صلح در افغانستان برای کشورهای منطقه تا این حد مهم است، پاکستان یکبار دیگر فرصت خواهد یافت تا به عنوان کشور واقع در خط اول مبارزه با تروریسم مورد توجه قرار گیرد همانگونه که روزگاری از موقعیت خویش به عنوان کشوری واقع در خط اول مبارزه علیه کمونیزم امتیاز به دست آورد و سود برد.



مباحثی پیرامون ادیان شناسی تطبیقی

سیری در ادیان رایج جهان

(سید احمد اشرفی)

چهار حقیقت عالی در آئین بودایی

حقیقت اول – وجود رنج:

بودا می گوید: « زنده شدن رنج است، پیری رنج است، بیماری رنج است، مرگ رنج است، از عزیزان دور بودن رنج است، با ناعزیزان محشور بودن رنج است، به آرزوها نرسیدن رنج است، سخن کوتاه همهٔ زندگی عبارت است از رنج و درد»

حقیقت دوم- علت رنج:

هرچیز علتی دارد، و علت رنج تشنگی است، و علت تشنگی لذایذ دنیا است. هرچیز که در دنیا عزیز و لذت آور است، انسان به او تعلق و تشنگی دارد، علت و خواستگاه اصلی رنج همین تشنگی و تعلق است. وصال لذت بخش است اما رنج زاست، چون فراق و هجران در پی دارد، سیرابی لذت بخش است، اما رنج افزاست، چون پس از هر هوس، بیزاری از هوس فرا می رسد، و بدین ترتیب هر لذتی رنجی را در پی دارد، و هر لقمهٔ لذتی که از گلو فرو می رود، آن رنجی شده بیرون می آید

حقیقت سوم- رهایی از رنج:

انسان باید خود را ازین همه رنج ها برهاند و آزاد کند ولی رهایی از رنج میسر نمی شود مگر با فرونشاندن تشنگی، و آن ممکن نیست مگر با دور گذاشتن خواهشات و لذات و چون رغبت و خواهش و تشنگی از طریق حواس صورت می گیرد، لهذا باید آدمی همواره از حواس خویش پاسبانی کند و بکوشد که حواسش دنبال اشیای لذیذ و مرغوب میلی پیدا نکند. هرگاه موفق به انجام این کار شد، تشنگی اش فرو می نشیند.

حقیقت چهارم- راه رهایی از رنج:

راه رهایی ازرنج هشت گام دارد:

۱- شناخت راست: یعنی دانستن چهار حقیقت عالی که عبارت بودند از: وجود رنج ، علت رنج، لزوم رهایی از رنج و راه رهایی از رنج.

۲- - نیت راست: یعنی آزاد کردن اندیشه ازکامخواهی و شهوت، از بدخواهی و ستمگری. سالک نه تنها درون خود را از کینه به دیگران خالی نماید، بلکه باید نسبت به همه کس مهر و محبت داشته باشد.

۳- سخن راست: یعنی خودداری از دروغ گویی و بدگویی و درشت گویی و یاوه گویی.

۴- کردار راست: یعنی خودداری از کشتن و آزار دادن زندگان، اجتناب از دزدی و زنا.

۵- زندگانی راست: یعنی خود داری از کار هایی که سبب آزار دیگران باشد، از قبیل اسلحه فروشی، فروختن موجودات زنده، خیانت، فریب، ربا خواری، شعبده بازی و امثال اینها.

۶- سعی و کوشش راست: کوشش برای دور ماندن از بدی ها، و تلاش برای به دست آوردن و نگه داشتن خوبی ها.

۷- اندیشه و تفکر راست: چون عقل از شوائیب لذت خالی شود، به تفکر درست و اندیشهٔ راست رهیاب خواهد شد.

۸- تمرکز و تأمل راست: یعنی دل را تنها به راستی سپردن، و جز در معنای راستی، به چیزی دیگری تامل نکردن.

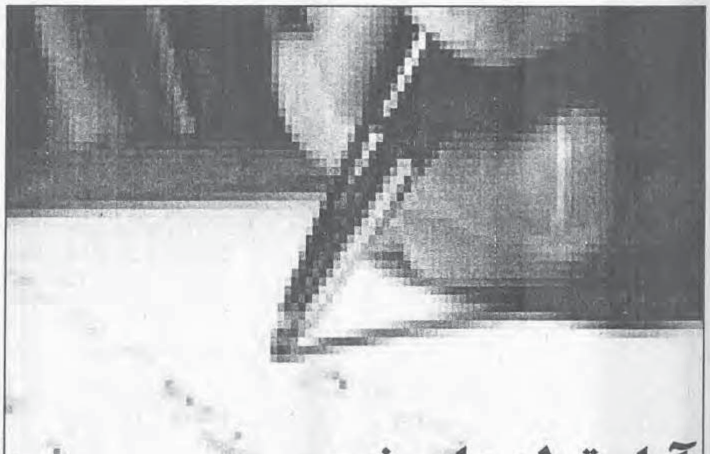
بعد از درک حقایق چهارگانه سالک بودایی باید بر سه خصلت زشت که ریشهٔ همهٔ رذائل اخلاقی محسوب می گردد و مانع سلوک می شود، چیره گردد آن سه خصلت زشت عبارتند از:

۱- تسلیم شدن به شهوات و رغبات و لذائذ.

۲- سوء نیت در طلب اشیاء که انسان را از مقصد واضح و غایت روشن و پاک باز می دارد.

۳- جهل و نادانی.

ادامه در شماره آینده



آیا مقوله های غرب با جامعهٔ ما هماهنگی دارد؟

عبدالعلی کوهی

فرهنگ جدید در جهان امروز فرهنگ اروپایی است. فرهنگ مدنی پیامد یک فرایند دنیوی سازی است، صنعتی شدن، نوسازی، توسعهٔ سیاسی، ترقی، رشد و عقلانی سازی از ویژگی های فرهنگ غرب است. امروز مدرنیته را به خردگرایی، رشد تکنالوژی و آزادی بیان تفسیر می کنند. واضح ترین جنبهٔ مدرنیته که کمتر مورد جدال است، همان کاربرد علم و تکنالوژی در تولید اقتصادی است. باید گفت که خاستگاه تاریخی و اجتماعی مدرنیته در جامعهٔ غربی قرار دارد.

پرسش اساسی این جاست که آیا مدرنیته غربی با سایر کشورها در یک هماهنگی قرار دارد یا خیر؟ مسالهٔ عمومیت مدرنیتهٔ غربی محور مطالعات بسیاری بوده است. نبرد تاریخی میان علم و دین در غرب، بلاخره دین مسیحی را به قلمرو خردگریزی کشانید و در

نتیجه روند تاریخی، دنیوی سازی که به جدایی زندگی و مذهب انجامید، یک دستآورد بزرگ برای غرب محسوب گردید. دین تحریف شدهٔ غرب که دیگر نه به درد دنیای ما آید و نه به درد آخرت، جایش را به نظام دنیوی خالی کرد و نبردهای چند قرنه را در اروپا به نفع نوسازی پایان داد. نتیجهٔ این نوع تغییر حرکت اصلاح طلبانه را به وجود آورد. جنبش اصلاح طلبی پروتستانی تغییر برجسته بر جریان بازسازی عقلانی در اروپا گذاشت.

بعد از جنگ جهانی دوم در غرب تغییرات به نحوی صلح آمیز از طریق مبارزه تاریخی میان نخبگان بورژوا به وجود آمد. به همین گونه پیش از آن بعد از جنگ های مذهبی در قرون وسطا عصر اوتوپیا به پایان خود رسید. عصر واقعْ گرایی جای آن را گرفت در غرب توسعه به عنوان حرکت از سنت به مدرنیته تعریف گردیده است. افراد در این جامعه فرهنگ قدیمی را متحول، جرح و تعدیل نمودند و آن را قابل انطباق و سازگار با فعالیت ها و نهادهای مدرن ساختند.

موفقیت های عصر روشنگری در غرب نتیجهٔ کمرنگ شدن حاکمیت مذهبی کشیش و اسقف فی دین به وجود آمد.

در نتیجهٔ بی اعتمادی عموم مردم نسبت به کشیش ها و اسقف ها به روشنگری در غرب شتاب بیشتر بخشید؛ زیرا بسیاری از کشیش ها و اسقف ها دارای یک زندگی تجملی بودند که در تضاد آشکار با طالب مسیحیت که خود از آن حمایت می کردند قرار داشت. متفکران برجستهٔ عصر روشنگری از بیکن و دکارت تا هیوم و کانت از طریق لاک و روسا همگی کوشیدند تا قدرت کلیسا را تضعیف نمایند. پروژهٔ روشنگری در قلب یک پروژه رهایی بحش قرار داشت که هدفش آزاد سازی انسان از استندردهای مطلق بود که توسط اقتدار دینی بر قرار شده بود. باید گفت که مدل های اروپایی و غربی به صورت قطع نمی تواند جای اندیشه ها و سیستم های سیاسی و اقتصادی کشورهای جهان سوم؛ به ویژه دنیای عرب و اسلام را بگیرد؛ زیرا اسلام در تفکر، اندیشه و آزادی بیان نسبت به هر اندیشهٔ دیگر هدایات روشن دارد و از نظر دستآورد های مادی هم این سرزمین های اسلامی بی دستآورد نیستند.

روزی پیامبر اسلام (ص) به اصحاب خود گفت که بهترین سخن حق آن است که در برابر زمامدار ظالم گفته شود. آزادی بیان بهتر از این بوده نمی تواند که عنصر ترس، دلهره در آن راه نداشته باشد. اصل مشروعت در اسلام عدالت اجتماعی است نه قدرت سیاسی، نظامی و ثروت؛ زیرا در صورت تامین عدالت اجتماعی، کشورها به قدرت نظامی و اقتصادی متوسل می شوند.

روی همین سبب مدل های غرب در کشورهای عربی و اسلامی به شکست مواجه گردیده و حرکت های اصلاح طلبانه در کشورهای عربی به خاطر مدل های غربی نیست؛ بلکه آن ها می خواهند به داشته های خود باز گردند؛ زیرا اکثریت این سیستم ها که امروز مردم منتظر تغییر آن است مورد دفاع و پشتیبانی غرب قرار داشتند.

تکنالوژی غرب و اصل مدرنیته در اروپا با وجود خوبی های خود دارای کمبودی هایی نیز می باشد؛ زیرا فرهنگ غرب فقط با بال مادی پرواز می کند، بال های عاطفی در آن کمتر دیده می شود، در عصر بازسازی و به تعقیب آن عصر روشنگری، دوره مدرنیته و پسا مدرنیزم به این جنبه مدنی کمتر توجه صورت گرفته است. امکان دارد که غرب دیر یا زود به این نقیصه متوجه گردد.

بی مورد نیست که تطبیق برنامه ها و مدل های امریکایی و اروپایی در افغانستان جایی برای عملی شدن نخواهد داشت. افغانستان و کشورهای اسلامی فقط می توانند به درون فرهنگ خودی خود رجوع نموده و در یک برنامهٔ اصلاحات گسترده کشور را از بی مبالاتی نجات دهد؛ زیرا آنچه دنیای پیشرفته از ما می طلبد در این آیین وجود دارد. در نظام اسلامی می توان روش های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و روابط پیشرفتهٔ جهانی را به وجود آورد و سیستم مدرن عدلی و قضایی را در پرتو احکام آن ایجاد کرد. هر نوع فشار و جانشین سازی اندیشه ها و تفکر دنیا زور و سرمایه بدون شک در این کشور به شکست مواجه خواهد گردید که نتیجهٔ آن نه تنها برای مردم افغانستان، بلکه برای غرب سنگین خواهد بود.

وطن پرور

استاد یوسف آیینه

نوازنده را گو، که تاری زند
سراینده را گو، سرود افگند
بهار نو آئین و دور نوین
گزین (بلخ بامی) درین سرزمین
عقابان (البرز) فارغ زبند
در فشان گردون شکاف بلند
زایوان (کشتاسب) آتش پرید
جهان را به گلهای سرخ آگنید
گل سرخ چون جام(سومابدشت)
بر افروخت آتشگهء (زردهشت)
نخستین گل پیشرس در بهار
گل سرخ آراست طرف (مزار)
صبا بر سر سبزه یاقوت ریز
هوای سحر در چمن مشکبیز
زبام شبستان و دیوار کاخ
زهر کوی و برزن به هر باغ و شاخ
هزاران گل لاله رستن گرفت
دلی با گلی هم شگفتن گرفت
بهار گل سرخ در (نوبهار)
بجا مانده از (اسپه) ها یادگار
زیارت کنان تا در آستان
سوی (بلخ) گردد جهانی روان
بیاری فتد چشم در چشم ها
شود دل بدل صد هزار آشنا
درین (زنده بالا) و جشن سترگ
شود دور هم حلقه خورد و بزرگ
به شادی سپارند آوان گُل
به شهر مزار و بدوران گل
ز (ریشی) دانا و دهقان پیر
زگفتار (جاماسپ) و پند زریر
پی نکته ها خفته اندر کتاب
که گویاست بر حرمت آب و خاک
اگر (بلخ) بامیست یا در (مزار)
و یا (کابل) و (غزنه) و (کندهار)
روانیم در پرتو آفتاب
به سوی هدف مثل پران عقاب
گل سرخ و (بلخ گزین) شاد باد
وطن با وطن پرور آباد باد

نمایشگاه کتاب در تاجیکستان

نمایشگاه بین المللی کتاب درشهر دوشنبه تاجیکستان به اشتراک کشورهای منطقه: ایران، قرغزستان، ترکمنستان، قزاقستان، ترکیه، هند، پاکستان، چین و بیش از ۱۵۰ ناشر و مطبعهٔ خصوصی، در اوایل ماه جوزا در پایتخت تاجیکستان، افتتاح گردید. در این محفل، پیرامون اهمیت کتاب و کتابخانه در فرهنگ و تاریخ ما صحبت کردند.

شمس الحق آریانفر اتشهٔ فرهنگی سفارت افغانستان در تاجیکستان گفت، کتاب میراث فرهنگ ما و هدیهٔ آفریدگار در آیین ماست.

کتاب ظرف وحی است که در قران شریف تبلور یافته است. تاریخ گواه است که درعرصهٔ تاریخ ما بیشترین و بهترین کتاب ها را به بشریت هدیه کرده ایم. ما فرهنگ ویدایی، اوستایی و اسلامی خود را به وسیلهٔ کتاب های مربوط آن، حفظ و نگهداری کرده ایم. سرود های ویدی، اوستا و کلام الله مجید، نماد برجستهٔ سخن ماست.

کتابخانه ها امروز تنها مرکز حفظ دانش نه، که مرکز اشاعه، توزیع، سازماندهی و توسعهٔ دانش است. افغانستان اقدام تاجیکستان را در تدویر نمایشگاه کتاب به دیدهٔ قدر می نگرد.

به گفتهٔ آریانفر، علاوه از سفارت افغانستان، کتابخانهٔ بیهقی، کتاب های نشرشدهٔ ناشران خصوصی به رونق این نمایشگاه افزوده و حضور افغانستان در نمایشگاه بسیار پر رنگ بوده است.

بُن دوم و چشم انداز ثبات در افغانستان



محمد اکرام اندیشمند

دولت افغانستان و شماری از کشور های حامی و درگیر از تدویر اجلاس بزرگ در شهر بن آلمان سخن می گویند. این مجلس در واقع به دنبال اولین مجلس بن در رابطه به افغانستان است که ده سال پیش به شکل گیری دولت فعلی افغانستان به ریاست حامد کرزی جانشین حکومت طالبان انجامید. به نظر می رسد که مجلس بن دوم در اواخر سال روان مسیحی (دسمبر ۲۰۱۱) با مساعی و مشارکت فعال جمهوری فدرالی آلمان بر گزار شود.

حضور طالبان در بن دوم:

یکی از نکات قابل پرسش در بُن دوم به حضور طالبان بر می گردد. آیا طالبان در این مجلس شرکت خواهند کرد؟ طراحان و علاقمندان بن دوم انگیزه و نیاز این مجلس را به مشارکت طالبان به عنوان یک طرف جنگ در افغانستان عنوان می کنند. عدم حضور طالبان در بن اول گویا از اشتباهات دست اندرکاران بین المللی آن مجلس تلقی می شود که به بیرون ماندن طالبان از قدرت سیاسی و ادامهٔ بحران و جنگ انجامید. اما آنها فراموش می کنند که مجلس بن اول نه برای شریک سازی طالبان در دولت بل، برای سرنگونی دولت آنها تدویر یافته بود. نه تنها این فکر در آن شرایط فروپاشی حکومت طالبان تحت ضربات هوایی امریکا و حملات زمینی جبههٔ مقاومت ضد طالبان غیر عملی بود، بلکه مشارکت طالبان در یک نظام کثرت گرا با رعایت برخی از ویژگی های دموکراسی نامحتمل بود. زیرا طالبان به ارزش ها و معیارهایی چون تساوی حقوق زن، انتخابات، آزادی بیان، جامعهٔ مدنی و . . . دشمنی داشتند.

آیا اکنون آن موانع برطرف شده است؟ اگر چنین باشد چه کسی از لحاظ ارزشی عقب می نشیند؟ طالبان، دولت افغانستان و یا جامعهٔ بین المللی حامی این دولت؟ طالبان دموکرات می شوند و به ارزش های دموکراسی موجود در افغانستان گردن می نهند و یا دولت و نظام سیاسی افغانستان طالبانی و توتالیتر می شود؟

آلمان ها و پشت پردهٔ مذاکره با طالبان:

مجلس بن در ۱۴قوس ۱۳۸۰ خورشیدی (دسمبر ۲۰۰۱ میلادی) که به تشکیل دولت فعلی افغانستان به حمایت گستردهٔ کشورهای غربی انجامید، موجب تشویق آلمان ها شده است تا با تدویر مجلس مشابه نقش مهمی در ایجاد صلح ایفا کنند. شرکت طالبان در بن دوم و توافقی در جهت صلح نه تنها به اعتبار و نقش آلمان در میان غربی ها می افزاید، بلکه به بیرون رفتن نیروهای آلمانی از جنگ افغانستان می شود. جنگی که با گذشت هر روز افکار عامه در آلمان به آن مخالفت می ورزد. تحقق چنین نقشی برای آلمان ها یک موفقیت مهم شمرده می شود. آیا آلمان ها به این موفقیت دست خواهند یافت؟

آلمان ها مدت ها قبل در صدد انجام این نقش بر آمده اند. تأمین روابط با طالبان و مذاکره با برخی از مقامات پایین رتبهٔ طالبان تلاش آلمان ها در این راستا است. منابع مطلع از سفر و مذاکرات فردی به نام طیب آغا نمایندهٔ طالبان در داخل آلمان با مقامات آلمانی سخن می گویند. این فرد نمایندهٔ خاص ملاعمر رهبر طالبان در ماه های اخیر حکومت طالبان در واشنگتن بود. آلمان ها بسیار امیدوار هستند که در مجلس بن دوم پای طالبان را به مذاکره بکشانند و همسویی آنها را در شکل گیری توافقات جدید در جهت مصالحه و مشارکت در نظام سیاسی افغانستان بگیرند. این در حالی است که طالبان تا کنون از تماس و مذاکره با آلمان ها سخن نگفته اند. تشکیل مجلس دوم در بن حقیقت و کذب رابطه و معامله با طالبان را بر ملا خواهد کرد. اما به نظر نمی رسد بن دوم تحریک اسلامی طالبان را به سوی مصالحه و مشارکت در قدرت سیاسی با دولت افغانستان ببرد.

> **طراحان و علاقمندان بن دوم انگیزه و نیاز این مجلس را به مشارکت طالبان به عنوان یک طرف جنگ در افغانستان عنوان می کنند. عدم حضور طالبان در بن اول گویا از اشتباهات دست اندرکاران بین المللی آن مجلس تلقی می شود که به بیرون ماندن طالبان از قدرت سیاسی و ادامهٔ بحران و جنگ انجامید. اما آنها فراموش می کنند که مجلس بن اول نه برای شریک سازی طالبان در دولت بل، برای سرنگونی دولت آنها تدویر یافته بود.**

ایالات متحدهٔ امریکا و حضور احتمالی طالبان در بُن دوم:

هر گونه رابطه و مذاکره میان آلمان ها و طالبان و برنامهٔ شرکت طالبان در بن دوم به عنوان نتیجهٔ این روابط به دور از نگاه و توافق امریکایی ها صورت نمی گیرد. اظهارات رابرت گیتس وزیر دفاع ایالات متحدهٔ در کنفرانس امنیتی سینگاپور قبل از سفر اخیرش در اوایل هفتهٔ دوم جوزای ۱۳۹۰ به کابل حکایت از این توافق با میانجیگری آلمان ها دارد. او در این کنفرانس از مذاکرات احتمالی با طالبان تا پایان سال جاری سخن گفت. این در واقع اشاره به مجلس دوم بن است که تا اواخر سال جاری مسیحی (ماده دسمبر ۲۰۱۱) تشکیل خواهد شد.

جالب این است که گیتس در پاسخ به پرسش خبرنگاران از نقش طالبان در آیندهٔ سیاسی افغانستان نیز سخن زد. با توجه به این اظهارات و با نگاه به همسویی و توافق امریکایی ها در روند رابطه و مذاکره میان آلمان ها و طالبان آیا امریکایی ها و طالبان به توافقی در جهت صلح دست خواهند یافت؟

در حالی که پاسخ این پرسش با گذشت زمان روشن می شود اما به نظر می رسد که امریکایی ها در صدد ایجاد شگاف در صفوف طالبان هستند تا زمینه را برای تضعیف بیشتر آنها مساعد کنند. افزایش فشار نظامی بر طالبان از سوی امریکایی ها راهکار مورد نظر آنها در تضعیف طالبان و عمیق تر شدن این شگاف است. این روند می تواند به تفرقهٔ عمیق درونی طالبان بینجامد و طالبان مخالف صلح را به انزوا بکشاند. از نظر امریکایی ها طالبان معتدل و موافق به صلح می توانند در قدرت سیاسی سهیم شوند.

ممکن است میکانیزم این شرکت در بن دوم مشخص شود. شرکت در دولت و یا واگذاری حکومت های محلی در برخی ولایات جنوب به طالبان دو گزینه است که از نظر امریکایی ها و میانجیگران آلمانی مورد توجه قرار می گیرد. آیا بن دوم به این دو دستگی در میان طالبان دامن خواهد زد؟ آیا برآیند مذاکرات بن دوم سرکوبی طالبان افراطی و همسویی طالبان معتدل با روند صلح خواهد بود؟

پاکستان و بُن دوم :

فرضیهٔ شرکت طالبان در بن دوم و توافق احتمالی آنها به صلح در این مجلس بستگی به نقش و نیات پاکستان دارد. برخی از تحلیلگران به این باور هستند که قتل بن لادن توسط امریکایی ها اسلام آباد را تحت فشار گذاشته است تا طالبان را به سوی میز مذاکره در بن بکشانند. حملات رو به گسترش هواپیماهای بدون خلبان امریکایی در مناطق قبایلی پاکستان عامل دیگر فشار بر ژنرالان پاکستانی است تا طالبان را وادار به مذاکرات صلح کنند. حتا اگر پاکستانی ها طالبان را هر چند تحت فشار امریکایی ها وارد مجلس بن سازند، آنها این معامله را در بدل دسترسی به امتیاز های بیشتری انجام خواهند داد. شاید ده سال حمایت پاکستان از طالبان در برابر نیروهای غربی، دولت های غرب به خصوص امریکایی ها را متقاعد ساخته باشد که بدون پاکستان نمی توانند به صلح با طالبان و صلح در افغانستان برسند.

هر چند حلقه های مختلف سیاسی در درون و بیرون دولت افغانستان علاقمند اند تا واشنگتن به سوی پاکستان به چشم حامی تروریزم و طالبان ببیند و جنگ را به داخل پاکستان بکشاند، اما غربی ها به ویژه امریکایی ها و انگلیس ها نقش و اهمیت پاکستان را در مبارزه با تروریزم از زاویهٔ منافع خود بیشتر از افغانستان تلقی می کنند. علی رغم قتل بن لادن در عمق خاک پاکستان و حضور او در ایبت آباد شهرک نظامی و امنیتی آن کشور، موقعیت پاکستان در بن دوم بسیار بهتر از حالت آن کشور در بن اول است.

دولت افغانستان و رئیس جمهور کرزی در بُن دوم:

موقف رسمی دولت افغانستان حمایت از مجلس بن است. رئیس جمهور و دولت او به بن چشم دوخته اند و امید وار هستند تا به کمک امریکایی ها و اروپایی ها به برادران ناراضی طالبان دست دراز کنند و آنها را شریک کرسی اقتدار بسازند. آیا رئیس جمهور به این آرزو دست خواهد یافت؟

اگر موقعیت پاکستان در بن دوم بهتر از وضعییت آن کشور در بن اول ارزیابی شود، موقعیت رئیس جمهور کرزی در نقطهٔ مقابل و معکوس آن قرار دارد. کرزی در بن اول با حمایت دنیا و در شرایط شکست و اضمحلال طالبان به کرسی اقتدار تکیه زد. اما او در بن دوم در برابر طالبانی قرار دارد که به کمک پاکستان دوباره به نیروی نظامی خطر ناک مبدل شده اند. دشواری و چالش در فراروی رئیس جمهور تنها به احیای نیروی نظامی طالبان محدود نمی شود. نارضایتی گسترده در میان جامعهٔ قبیلوی جنوب کشور به عنوان بستر اصلی فعالیت و حضور طالبان از بن اول تا بن دوم بخش اصلی دشواری رئیس جمهور کرزی را می سازد. قبایل جنوب و حتا بسیاری از بدنهٔ صفوف طالبان و شاید شماری از رهبران و فرماندهان طالبان به سوی حامد کرزی در بن اول به عنوان فردی برخاسته از این قبایل در رهبری و زعامت دولت افغانستان می دیدند که جانشین دولت طالبان می شود. آنها منافع خود را به نحوی در این جانشینی می نگریستند و هر چند با اکراه از آن استقبال و احساس رضایت می کردند. اما ده سال از بن اول تا بن دوم، جنوب به میدان اصلی جنگ امریکایی ها و نیروهای غربی با طالبان تبدیل شد.

هر چند طالبان با کمک و برنامهٔ پاکستان به این جنگ بر گشتند و در سایهٔ این حمایت دو باره از شکست نظامی به قوت نظامی رسیدند، اما پیامد های منفی جنگ از تلفات غیر نظامیان تا بردن طالبان به زندان های امریکایی ها، پایگاه اجتماعی و قومی رئیس جمهور کرزی را طی این ده سال در جنوب به شدت صدمه زد. تلاش رئیس جمهور در جهت جلوگیری از تلفات غیر نظامی که حتا امریکایی ها را به عنوان نیروی اشغالگر تهدید کرد به جبران این صدمه نیانجامید؛ علی رغم آنکه پاکستان و طالبان مسوولیت اصلی پیامد های منفی جنگ را در جنوب بدوش می کشیدند.

ص۷

افغانان د کوم اور په لمبو کې سوځي؟

ن شفیق

د شلمې پیړۍ په دویمه او دریمه لسیزه کې چې اروپائیان د کومو فاشیستي حرکتونو ټارګټ ګرځېدلي وو. نو هغه د لومړنۍ نړیوالې جګړې څخه د مخه د هغه مهال د اتریشي، انګلیسي او پولینډي امپراتوریو او ورځخه د مخه د نا پلیوني، بلقاني او ... جګړو څخه وریاتي د هیواد پراخۍ او پر نورو د برلاسۍ د مفکورې څخه را زیږېدلي د توسعه طلبۍ حرکتونه وو؛ چې په ایټالیا کې د موسولیني او په آلمان کې د هټلر رژیمونو په ولسونو د مرګونو خپسې کښېنولې وې او د ملت ګرایي او نژاد ګرایي په څپو یې لاهو کول. چې بالاخره نړیوالې دوهمه جګړه یې رامینځته کړه او بیا د ملیونونو انسانانو د وژل کېدو او مادي امکاناتو د تباه کېدو لامل شوه.

خو د یویشتمې پیړۍ آغاز هم هغې ته ورته ښکاري؛ ځکه د شلمې پیړۍ په وروستۍ لسیزه کې د خونړۍ سوسیالیزم د زور په او به کېدو سره چې د افغانانو په خاوره د توسعه طلبۍ لیوالې روسیه د شوروي اتحاد په یونیفورم کې په ګونډو شوه نو سرې جګړې په همدغه سیمه کې یوه داسې جګړه وزیږوله چې لاتر اوسه یې متقابل لوري هم په پوره توګه معلوم ندي؛ د جګړې طراحان یې د ترهګرۍ (؟) پر خلاف د ټولې نړۍ جګړه بولي او د ژینیف د تړون پر خلاف (چې جګړې ته د برابرو قوتونو ترمینځه جواز ورکوي) دغه جګړه روانه ده. او په نړیواله او سیمه ایزه کچه نوي راټوکېدونکې ځواکونه یې ترشا نوري موخې لري او د یو رزمي ټورنامنټ په توګه ورڅخه خوند اخلي.

خو د اور په لمبو کې یوازې هغه میړنی ولس سوځي، چې د شلمې پیړۍ د خونړي طوفان (پخواني شوروي اتحاد) له څپو (ښکیلاک) څخه یې ټولې نړۍ ته خلاصون ورکړ.

که په تېرو دوه وو اونیو کې په هیواد کې ددغې جګړې تلفاتو ته وګورو نو جوتیږي چې یواځې افغانان دي چې ددې نا برابرې جګړې خوراک دي او د هیواد په هر لوري او هره سیمه کې د یو منظم پلان له مخې د نا امنۍ او انسان وژنې ګڼې پیښې رامینځته کیږي؛ د مثال په توګه په تیره اونۍ کې، د شنبې په ورځ سهار مهال چې د هیواد د ختیځ ولایت ننګرهار په مرکز جلال آباد ښار کې د امیر شهید په بڼ کې ترسره شوې چاودنه د نورو تلفاتو سربیره د بڼ ساتونکي ژوند اخلي، نو په همدغه ورځ د قندهار په ولایت کې بیا د پوهنتون د ودانۍ په مخ کې د موټرونو د دریدو پر ځاې کې دوه پرله پسې چاودني ددغه پوهنتون د یو محصل ژوند اخلي چې د انجینرۍ پوهنځي محصل او د امنیتي چارو د رئیس، سکیریتر وو او د دوه تنو نورو محصلینو او دوه وو پولیسو د ټپي کیدو لامل ګرځي. دا پداسې حال کې ده چې په همدغه پوهنتون کې څو ورځې وړاندې هم دغسې یوه چاودنه رامینځته شوې وه او بیا په بلخ پېښه کې د ایټلاف ځواکونو لخوا په ډزو کې یوه ښوونځي ته تلونکې انجلۍ ټپي کیږي.

د هیواد په بل ختیځ ولایت (کنړ) کې د مروړۍ په ولسوالۍ کې د بهرنیو ځواکونو په څانګړو افغان ساتونکو باندې د یوې شل کلنې افغانۍ انجلۍ لخوا برید ترسره کیږي چې تلفات یې د یو تن وژل کیدل او د دوه نورو ټپیان کیدل وو. د همدې ولایت په وټه پور ولسوالۍ کې د ماین په چاودنه کې بیا د میر زمان په نوم یو بل افغان مړې او یو بل ټپي کیږي.

د لوګر په ولایت کې بیا د لسو تنو په شاوخوا کې د افغانانو سرونه له تنو څخه جدا کیږي، چې وژل شوي او وژونکي دواړه لوري افغانان دي. په ګاونډي ولایت وردګو کې بیا تیره اونۍ د یکشنبې په ورځ په کابل بانک باندې حمله کې یو افغان له ژوند څخه محرومیږي او بل ټپي کیږي. همدارنګه تیره اونۍ د ننګرهار ولایت د شینوارو د دور بابا د ولسوالۍ په سره کنډک نومي سیمه کې د واده په مراسمو باندې حمله ددې لامل ګرځي چې نهه تنه د ښادۍ ګډون کوونکي وژل کیږي او پنځه نور ټپیان ګرځي، د واده حجرې او دیرې ته اور اچول کیږي او موټرونه پکې سوځیږي، چې لا تر اوسه ددغې پیښې مسوولیت هم چا په غاړه ندی اخستي. که دا یوه امنیتي پیښه وي او که سیاسي (ځکه د نږدې دریو میاشتو راهیسې د یوې دښتې په سر د دوه وو قومونو اختلاف د ننګرهار هغه (دوربابا) ولسوالۍ هم په نا امنه سیمه بدله کړه چې پکې تر اوسه داسې پیښې نه وې لیدل شوې، د افغانانو د تباهۍ پېښې دي.

او د تیرې دوهمې اونۍ په سر کې د شنبې په ورځ له یوې خوا د غزنې په ولایت کې د یو برید په نتیجه کې یوه کوچنۍ شهیده شوه او بیا غرمه مهال د کندهار په ولایت کې د ملکي وګړو یو ټونس موټر په ماین والوت چې پکې شپاړس افغانان تلفات وو؛ اته تنه پکې کوچنیان او پنځه میرمنې وې. د لغمان ولایت په مرکز مهترلام بابا ښار کې دوه پرله پسې چاودنې هم د دوه تنو پولیسو د وژل کېدو او نهو تنو د ټپي کیدو لامل شوې.

په خوست ولایت کې د پولیسو په قوماندان جنرال ظاهر باندې برید ترسره شو چې د نوموړي په ګډون پکې درې تنو نورو هم خپل ژوند له لاسه ورکړ او دیارلس افغانان پکې ټپیان وګرځېدل.

د دوشنبې په ورځ بیا ماښام مهال د کندهار په میوند ولسوالۍ کې د وسله والو طالبانو او پولیسو ترمینځه په نښته کې دواړو لوریو ته د دریو دریو تنو په برابره توګه د وژنې تلفات اوښتي دي. د چهارشنبې په ورځ بیا د کاپیسا ولایت په محمود راقي کې د یو ځانمرګي برید په نتیجه کې شپږ تنه افغانان شهیدان او اته تنه نور ټپیان شوي چې موټر یې د ولایت د مقام په لوري روان وو. او د همدې ورځې په ماز دیګر د پکتیا د سید کرم ولسوالۍ په دروازه کې په یو بل برید کې اوه تنه ماشومان شهیدان شول.

دا د افغانانو د ژوند حالات دي چې هره ورځ په هره سیمه او یا یو ولایت کې دغسې دردوونکې پیښې رامینځته کیږي چې دا خو یې یو څو مثالونه وو.

اوس پوښتنه داده چې افغانان به تر څو د دا ډول اورونو او د جګړو په ژبغړاندو لمبو کې سوځي؟ او دا چې د نا امنیو او دغو بریدونو په نتیجه کې ځاني او مالي تلفات رامینځته کیږي، څوک او د چا دي؟! څرګنده ده چې که هر لورې ته راپیښیږي نو افغان مري او د افغانانو شتمنۍ له مینځه ځي.

که چیرې په جګړو ولسونه تابع کیدل نو افغان ولس به د پخواني شوروي اتحاد د ارمان (ګرمو اوبو ته د رسیدو) په وړاندې خنډ نه شو واقع کیدای.

هغه افغانان چې زمونږ په هیواد کې د روانې جګړې حل یوازې د جګړې له لیارې وینې او د هټلر او موسولینی د فاشیستي حرکتونو په څیر جنګ د رقابت او تنازع د امتحان یوه نهایي مرحله او سپیڅلی عمل ګڼي، هغوی پدې نه پوهیږي چې آیا د لسو کلونو راهیسې په روانه جګړه کې پر مخ تللې دي که پر شا؟ که چیرې د افغانستان د اوسني دولت اوسنی وضع د بن له پریکړې سملاسي وروسته وضعې څخه ښه وي او امنیت پکې له پخوانی وضعې څخه ښه شوی وي (ددغو ښاغلیو! د اقتصادي وضعو له ښه والي پرته یې زمونږ د عام ولس په حالت کې هم هر اړخیز ښه والي راوستی وي) نو بیا صحیح ده، او که حالت له یوې ورځې څخه بلې ته خراب شوی وي او د پردیو په لمسون او د پردیو په جګړه کې اوس د کنړ په ولایت کې یوه انجلۍ هم له خپل ژوند څخه تیریږي او ځان الوزوي او د ښځو د حقونو د علمبردارۍ سره سره هم، له دې نظام څخه بیزارتیا ښایي نو بیا دی دغه ښاغلي(!) همدومره وکړي چې د ستیج د ګرمولو پر ځاې دې د ملي اردو اویا ملي پولیسو په لیکو کې ورګډ شي او پخپله دې هم وسله واخلي؛ ځکه افغانستان پر دوی هم حق لري، څو د ویر او ماتم له درد څخه د دوی کورنۍ هم خبرې شي.

خو د افغانستان د دولت او د سولې اوسنۍ عالي شورا دې هم د هیواد نازک سیاسي حالات او امنیتي وضع درک کړي او د سولې هڅې دې د یوې پروژې پر ځاې یو اسلامي او ملي مسؤلیت وګڼي او د هغو لاملونو د ورکولو دې جدي هڅه وکړه چې افغانان یې د جګړو د لمبو خوراک ګرځولي او د سولې او ډاډمن ژوند له نعمت څخه یې بې برخې کړیدي؛ ځکه د سولې هڅې نور د افغان ولس له ټولو ستره اړتیا او موخه ده، نه وسیله او پروژه. یعنې لکه چې دولتي چارې یې د خپلو پارټنرانو ترمینځه ویشلي؛ باید داسې ونشي او د سولې د مینځته راوړلو استعداد لرونکو لاسونو په وسیله دې سوله ولټوي.

آیا لست های سیاه سفید خواهد شد؟

شورای امنیت سازمان ملل متحد گفته است، که روز گذشته در مورد دور ساختن نام های تقریباً بیست نفر از سران سابق طالبان از لست سیاه غور می نماید. آگاهان امور، این اقدام را یک پیشرفت در پروسهٔ صلح در افغانستان خوانده اند.

گفته می شود سازمان ملل متحد میان طالبان و افراد شبکه القاعده در این لست تفکیک قایل شده است. تا حال ۱۳۵ نفر از طالبان و ۲۵۴ نفر از اعضای شبکه تروریستی القاعده شامل لست سیاه اند از سفر ممنوع و سرمایه های بانکی شان مسدود شده است.

سازمان ملل گفته است که حذف نام طالبان از لست سیاه در پیشرفت پروسهٔ صلح در افغانستان کمک می کند.

به گفتهٔ ریچارد باریت مدیر کمیته نظارت تحریم های سازمان ملل متحد، در مورد هر یکی از کسانی که شامل لست سیاه هستند به صورت جداگانه و دقیق غور می کند و این سوال را پیش خود مطرح می سازد که چرا اسم فلان کسی باید از این لست دور شود. اسامی پنج نفر از اعضای سابق طالبان که اکنون در شورای عالی صلح وظیفه دارند، نیز شامل لست سیاه می باشند.

شورای عالی صلح که بدین منظور تشکیل شده است تا مذاکره و گفتگو با مخالفین مسلح دولت و طالبان را راه اندازی و جنگ و درگیری در کشور ختم و به تأمین امنیت بینجامد، در این زمینه تلاش های صورت گرفته تا تعداد طالبانی که در لست سیاه سازمان ملل متحد اند، اسمای شان از آن لست حذف گردد تا به پروسهٔ صلح کمک نماید. معاون شورای عالی صلح در حالی که از این اقدام سازمان ملل ابراز خوشبینی کرده است، گفته که در این لست ملا عمر و گلبدین حکمتیار نیستند و امیدواری نشان داد که در لست های بعدی این ها هم از لست سیاه بدر شوند.

در صورتی که تضمینی وجود داشته باشد و دست اندرکاران این پروسه باور براین داشته باشند که رهایی طالبان به ختم جنگ و تحکیم پروسهٔ صلح در کشور می انجامد، کار نکو است. اما در صورتی که این افراد با رهایی شان باز هم به همان سمت و سوی قبلی شان در حرکت باشند و این بهانهٔ برای رهایی شان باشد، پروسهٔ صلج هم همانند سایر پروسه ها در این کشور بدنام خواهد شد و مردم باور شان را از دست خواهند داد، و پایگاه دشمنان در تشدید جنگ و ناامنی در کشور وسیعتر خواهد شد و متضرر اصلی مردم بی دفاع افغانستان خواهند بود.

پیروزی عثمانی های نو...

که نباید احزاب مدعی رهبری سیاسی مردم آن ها را نادیده انگارند:

۱– تاکید بر هویت فرهنگی و تاریخی: یک حزب سیاسی وقتی می تواند بر کرسی رهبری ملت خود به گونهٔ موفقانه تکیه زند که گذشتهٔ ملت و افتخارات معنوی آن را در برنامهٔ بسیج ملی خویش در محراق توجه قرار داده و نقش و جایگاه آن را در برنامهٔ مبارزاتی خود، نه به گونهٔ تمادین بلکه به گونهٔ اساسی، بازتاب دهد و اتکابه همین گذشتهٔ تأریخی و هویت فرهنگی است که شخصیت ملت ها را در کارزار زندگی تبلور بخشیده و ملت هایی با چنین پشتوانه می توانند با اتکاء به هویت ذاتی خود وارد بازی هایی شوند که بود و نبود شان به آن ها گره خورده است.

۲– برنامهٔ پاسخگو به نیازهای ملت در همگامی با خواست های عصر و زمان که داشتن توانای مقابله و رویاروئی با چالش های زمان برخورد دار باشد. احزاب باداشتن چنین برنامه خواهند توانست ریشه های خود را در میان تقویت بخشند و در برابر تند بادهای دور و نزدیک از خود مقاومت نشان دهند و نگذارند اهداف و مطامع دیگران تعیین کنندهٔ مسیر آنان در زندگی باشد.

۳– تطبیق و پیشبرد برنامه از طریق مشارکت ملی و اجتناب از سیاست کنار زدن و به حاشیه راندن حریفان سیاسی در امر توسعه و پیشبرد و تحقق اهداف و برنامه های کلان ملی.

حزب عدالت و توسعه با برخورداری از چنین سیاستی وارد کارزار سیاسی ترکیهٔ سکولار گردیده و توانست احزاب سکولار در رأس حزب جمهوری خلق ترکیه را به چالش گیرد و در مرکز رهبری سیاسی ترکیه قرار گیرد و بازی نوی را در سیاست جهانی سروسامان دهد و در برابر زورگویی های اسرائیل در خاورمیانه و سیاست خاورمیانهٔ جدید موضعگیری جدید را تبارز دهد.

پیروزی حزب عدالت و توسعه از سیاست تأکید بر هویت فرهنگی و تأریخی و داشتن برنامهٔ اقتصادی پاسخگو به نیازهای ملت ترکیه و باور آن به سیاست دیالوگ ملی، ریشه های این حزب را در میان ملت ترک عمق بیشتر بخشید و آن را در جایگاهی قرار داد که به حیث یک بازیگر سیاسی قدرتمند در قضایای منطقه و جهان اسلام مطرح شود.

قرار گرفتن حزب عدالت و توسعه در چنین جایگاهی در بازی های سیاسی منطقه و جهان اسلام- آن هم در کشوری چون ترکیه که برگزاری مراسم افطار دو دهه قبل در ماه رمضان توسط نخست وزیر نجم الدین اربکان عمل ضد ارزش های نظام سکولار به خوانش گرفته می شد- جز این که پیامد آگاهی رهبری حزب عدالت و توسعه از هویت فرهنگی و تأریخی خود و داشتن برنامهٔ مبتنی بر واقعیت های دوران جدید و پاسخگو به نیازهای زندگی کنونی باشد، چیزی دیگری نخواهد بود.

اکنون حزب عدالت و توسعه با پیروزی از چنین سیاستی، زمینهٔ آن را فراهم کرده است که قدرت بی چون و چرای نظامیان ترکیه زیر سوال گرفته شود و تغییر قانون اساسی که در ترکیهٔ سکولار به حیث یک صحیفهٔ مقدس تغییر ناپذیر تلقی می شد، مطرح گردد و جایگاه ششم را در اقتصاد اروپا و شانزدهم را در اقتصاد جهان حائز شود و در رشد اقتصادی در جهان پس از چین بالاترین جایگاه را کمایی کند. و حرف اخیر هم پیام این پیروزی حزب عدالت و توسعه به احزاب و حکومت هایی است که در کشورهای اسلامی داعیهٔ رهبر ی کشورهای خویش را در سر می پرورانند

پیامی که پیروزی ملت ها در بازی های سرنوشت ساز در گرو پابندی به هویت تمدنی و فرهنگی آگاهی از زمان و نیازهای آن و ثبات در برابر برنامه های هویت زدایی و توجه به وضع زندگی ملت می باشد و بس.

اعلامیهٔ همکاری مشترک...

مبارزه جهت نابودی تهدید تروریزم و خشونت‌گرایی، یک‌بار دیگر تکرار نمودند.

۶. رهبران هردوکشور مراتب رضایت خود را از ایجاد میکانیزم کمیسیون مشترک صلح در دو سطح جهت تسهیل و پیشبرد امر مصالحه و صلح در افغانستان، ابراز نمودند. درین زمینه، در جریان سفر رهبری هر دو کشور اولین نشست کمیسیون مشترک صلح را در سطح روسای حکومت دایر نمودند.

۷. رهبران دو کشور به دلیل امضاء و تصویب توافقنامه ترانزیت و تجارت افغانستان- پاکستان و تکمیل طی مراحل موفقانه طرحریزی میکانیزم‌های تطبیقی آن، ابراز رضایت نمودند. آنها از آغاز مرحله تطبیق این توافقنامه به تاریخ ۲۲ جوزای ۱۳۹۰ (۱۲ جون ۲۰۱۱)استقبال نموده، پذیرفتند که هردو جانب در راستای تطبیق کامل مفادات آن تمام اقدامات مقتضی را به عمل خواهند آورد تا باشد که توافقنامه مذکور در امر رشد تجارت، که البته از قبل وسعت قابل ملاحظه را در طی سال‌های اخیر به‌دست آورده است، مفید واقع گردد.

۸. طرفین توافق نمودند تا با سایر کشورهایی که علاقمند ایجاد تسهیلات و میکانیزم‌های ترانزیت و تجارتی باشند، مشوره نموده منجمله زمینه استفاده از راه‌های زمینی را از طریق افغانستان و پاکستان به منظور توصل به سایر نقاط جهان برای همسایه‌های خود در آسیای میانه میسر سازند.

۹. طرفین موافقه نمودند که همکاری خویش را در عرصه‌های مالی و بانکداری افزایش بخشیده و مخصوصا در جهت ایجاد یک شرکت مشترک سرمایه گذاری که بتواند پروژه‌های انکشافی مشترک را در هر دو کشور به منصه اجرا بگذارد، با همدیگر مشوره نمایند.

۱۰. طرفین به توافق رسیدند که به منظور ایجاد «حوزه‌های خاص اقتصادی و صنعتی» اقدام نموده و همچنان در جهت تحقق سریع ایجاد «حوزه‌های فرصت بازسازی» به شمول کسب دسترسی بیشتر به بازارهای دنیا، تلاش مشترک نمایند. درین زمینه، آنها روی اهمیت تجارت برای تقویت و استفاده مطلوب از ظرفیت و توانمندی بالقوه انفرادی و مشترک اقتصادی خویش تاکید نمودند. اتکای متقابل اقتصادی که بطور طبیعی بین دو کشور و در سطح منطقه وجود دارد، ارمغان‌آور رشد وسیع و متوازن اقتصادی می‌باشد. آنها همچنان از کشور همکار خویش و از جامعه بین‌المللی در مجموع خواستند تا با فراهم آوردن فوری زمینه‌های دسترسی ترجیحی به بازارهای خود، فرصت‌های رشد اقتصادی را در افغانستان و پاکستان حمایت نمایند.

۱۱. طرفین توافق کردند تا در جهت طرح یک چارچوب همکاری برای انکشاف زیربناها همکاری نمایند. در این راستا، طرفین بر اهمیت افزایش مواصلات و رشد زیربناهای راه خط آهن و سرک‌ها تاکید نمودند. طرفین به تکمیل شدن عنقریب شاهراه پشاور- جلال آباد اشاره کرده توافق نمودند که اقدامات لازم را به عمل آورند تا مشترکا این شاهراه را از طریق مناطق مرکزی افغانستان به هرات وصل گردد. علاوتا، اقدامات لازم در جهت ایجاد راه خط‌آهن بین پشاور و جلال آباد، که می‌شود بعدا آنرا به شبکه‌های خط آهن شمال-جنوب و شرق-غرب در افغانستان وصل کرد، نیز اتخاذ خواهد گردید. طرفین همچنان مراتب رضایت خویش را در مورد رشد مواصلات هوایی بین دو کشور ابراز داشته بر تعدد و گسترش آن تاکید نمودند.

۱۲. طرفین از اشتراک جامعه بین‌المللی، مخصوصا سکتور خصوصی، در امر تعیین اولیت‌های اقتصادی؛ و ایجاد مشارکت یا کنسورتیم‌های پروژه‌ای در چارچوب پروژه‌های قابل تطبیق در بخش‌های انرژی، ترانسپورت، زراعت، معادن و مینرال‌ها و سایر سکتورها، استقبال نمودند. توافق صورت گرفت که سکتور خصوصی باید رهبری کننده رشد اقتصادی باشد، و بجا خواهد بود که جامعه بین‌المللی بخصوص دوستان و همکاران دو کشور اقدام تشویقی را روی دست گیرند تا سکتور خصوصی کشورهای مربوط در تشبثات مختلط (جاینت ونچر) در افغانستان و پاکستان سهم بگیرند.

۱۳. طرفین بر اهمیت مبرم و ضرورت نهایی شدن هر چه زودتر ایجاد پایپ لاین گاز ترکمنستان- افغانستان- پاکستان- هند، و همچنان تطبیق سریع لین انتقال برق CASA-1000 تاکید نمودند.

۱۴. طرفین توافق نمودند تا مشوره‌ها را به منظور طرح یک چارچوب همکاری در قسمت تولید برق آبی و انتقال آن به هدف منافع مشترک دو کشور، آغاز نمایند. در این راستا، موافقتنامه‌های ساختاری برای همکاری بین افغانستان و پاکستان طرح‌ریزی خواهد شد.

۱۵. طرفین در مورد تشکیل یک کمیسیون مشترک با حضور نمایندگان مناسب از هردوطرف توافق نمودند تا به مساله زندانیان رسیده گی نماید.

۱۶. طرفین رضایت خویش را در مورد برنامه ۲۰۰۰ بورسیه‌های تحصیلی که توسط کشور پاکستان برای محصلین افغان اهدا گردیده و از آنجمله تعداد ۹۰۰ بورسیه قبلا در رشته‌های تخصصی مانند طب و انجنیری توزیع شده است، ابراز نمودند. جانب افغانی از این مساعدت سخاوتمندانه کشور پاکستان، و بخصوص از اینکه این بورسیه‌ها شامل رشته‌های طب و انجنیری نیز می‌باشند، اظهار قدردانی نمود.

۱۷. طرفین توافق نمودند تا در مورد لغو ویزه برای دارندگان پاسپورت‌های سیاسی مشوره نمایند. همچنان به منظور ارتقای روابط تجارتی و سرمایه گذاری هر دو جانب، طرفین پذیرفتند تا برای تجار و سرمایه گذاران یکدیگر ویزه‌های کثیر المسافرت یک ساله را صادر نمایند.

۱۸. طرفین توافق نمودند تا برنامه‌های بازدیدهای متقابل برای جوانان را آغاز نمایند، و همچنان زمینه‌های بازدید متقابل را برای سایر گروه‌ها از قبیل زنان، رسانه‌ها و غیره، و تبادله‌های ورزشی و فرهنگی را نیز افزایش بخشند.

۱۹. طرفین همچنان توافق نمودند تا در بخش‌های صحت و علوم صحی، منجمله ایجاد ۵۰ مرکز صحی اساسی در افغانستان توسط پاکستان؛ بازدید متخصصین هردوکشور از عالیترین پوهنتون‌های طبی و شفاخانه‌ها در دو کشور؛ تاسیس کمپ‌های صحی؛ ایجاد سهولت‌ها برای تداوی افغان‌ها در شفاخانه‌های پاکستانی؛ و پذیرفتن محصلین افغان، مخصوصا دختران در کالج‌های طبی پاکستان و انستیتوت‌های آموزشی امورصحی؛ به همکاری‌های خود وسعت ببخشند.

۲۰. هردو جانب توافق نمودند تا در عرصه مبارزه علیه مواد مخدر مشوره و همکاری نمایند.

۲۱. طرفین روی اهمیت همکاری‌های اقتصادی منطقوی تاکید نمودند، و توافق کردند تا در سطوح دوجانبه و چند جانبه، بشمول همکاری در سازمان‌های منطقوی که هردو کشور عضویت آنهارا دارند، در راستای تحقق همکاری و نزدیکی هرچه بیشتر اقتصادی در منطقه، مشترکا تلاش نمایند.

۲۲. طرفین توافق کردند تا پروسه مشوره، همکاری و هماهنگی به منظور بهبود ثبات، صلح و انکشاف در منطقه بیشتر از بیش افزایش داده شود. آنها بر اهمیت پروسه «گروه محوری» (سه جانبه بین افغانستان، پاکستان و ایالات متحده امریکا) به شمول تدویر جلسات این گروه مورخ ۳ می۲۰۱۱ در اسلام‌آباد و مورخ ۲۴ می۲۰۱۱ در کابل، تاکید نمودند.

۲۳. طرفین براین باور مشترک تاکید کردند که، با در نظر داشت عنعنات باشکوه و میراث‌های فرهنگی و مدنی، ملت‌های با غرور افغانستان و پاکستان آماده اند تا به مقابله تمام چالش‌های خطیر زمان برآمده و عزم دارند تا از فرصت‌های جدید در راستای اعمار یک آینده روشنتر برای خود و برای منطقه خود، استفاده نمایند.

بلاتکلیفی در میان ...

نیز نتوانسته است وظیفه خود را به صورت درست انجام دهد.

از مدت دوسال به این سو وزیران سرپرست، در وزارت خانه ها حضور دارند، با وجود فشار پارلمان در مقاطع مختلف رئیس دولت حاضر نگردیده است اعضای باقیماندهٔ کابینه را یک جا با اعضای ستره محکمه به پارلمان معرفی کند. واکنش پارلمان در این روز ها هر چه بوده باشد یک واکنش و حرکت قانونمند می باشد؛ اما اعضای پارلمان باید بدانند، که در نظر حاکمیت باید همه ارگان های حقوقی و قانونی؛ حتا پارلمان باید گوش به فرمان این حاکمیت بوده باشد.

امروز حق مشوره و تصمیم گیری را در افغانستان چند تن به دست دارد و این ها اند که افغانستان را به گروگان گرفته است. مفهوم کلمهٔ نخبه به یک معما تبدیل گردیده است در کل کشور هفت تن پیدا نمی شود که از سوی رئیس جمهور به کابینه به حیث وزیر معرفی گردد.

گفته می شود که رئیس جمهور در مورد اشخاص فکر می کند؛ چگونه یک چنین دقت و فکر دو سال را در بر می گیرد؛ در حالی که دقت بیشتر به این صورت می گیرد که چگونه شخصی جدید را پیدا نمود، تا در ردیف دیگران در خدمت حاکمیت قرار داشته باشد نه در کنار مردم.

امروز مردم از خود می پرسند، در صورتی که پارلمان نمی تواند بالای رئیس جمهور فشار وارد نماید تا جلو خود سری های دولت را بگیرد؛ پس کدام ارگان قادر است این کار را انجام دهد؛ در صورتی که سیاست یک بام و دو هوا بیداد می کند. وقتی مردم فریاد می کنند و صدای اعتراض خود را بلند می کنند، به گلوله بسته می شوند و مهمانان خارجی شان نیز در کنار دولت قرار می گیرند و دمار از جان مردم بیرون می آورند. هر روز جنایات وحشتناک که مایهٔ ننگ بشریت است در حوزهٔ حاکمیت به گوش می رسد. قتل های دسته جمعی، قتل های فرمایشی، کشتن عناصر ملی، بی برنامگی، دشمنی با آرمان های مردم، این ها دستآوردهای جامعهٔ جهانی به مردم افغانستان است.

امروز مردم می گویند که حضور جامعهٔ جهانی نه تنها برای ما حکومت ملی و دلسوز به وجود نیاورد؛ بلکه به تعداد دزدان، قاتلان، مافیای زمین، ثروت و قدرت افزوده شد؛ اما بحث مقابلهٔ حکومت و پارلمان یک بحث قانونی است و پارلمان در برابر آن مقاومت می کند.

امروز دولت در برابر قانونمند شدن زندگی مدنی، حق و انصاف مقاومت می کند. وقتی آن فرا رسیده است، تا اعضای پارلمان یا به خانه های خود برگردند، تا مردم افغانستان و جامعه جهانی بدانند که از این افراد استفادهٔ ابزاری می نمایند و یا از صلاحیت های قانونی خویش استفاده کنند.

امروز پارلمان حق دارد از مفاد ماده ۶۹ قانون اساسی استفاده کرده در مورد سوء استفاده و قانون شکنی ها از خود واکنش شدید نشان دهد. امروز قدرت در دست چند تنی است که پارلمان به مثابهٔ یک نهاد فرا دست قادر نیست از صلاحیت خود استفاده نماید.

حاکمیت حاضر نیست تا قدرت را میان ارگان های ذیدخل مثل پارلمان تقسیم کند، در صورتی که حکومت آماده به قبول این خواست قانونی پارلمان نگردد، به وضوح که در جهت تحت تاثیر قراردادن پارلمان می باشد؛ در صورتی که پارلمان نتواند در این راستا از خود عکس العمل نشان دهد مردم از آن متضرر گردیده و به قول شاعر خواهند گفت، شرمندهٔ انتخاب خویش ام!

بُن دوم و چشم انداز...

البته سیاست غیر شفاف و نامؤثر دولت و ریاست جمهوری در این مورد طالبان را در صدمه رساندن به موقعیت اجتماعی و قومی رئیس جمهور کرزی بیشتر کمک کرد. روشن ترین نمونهٔ این سیاستِ ناروشن در آویختن مدال به گردن وزیر دفاع امریکا در سفر اخیرش به کابل بود که پس از مرگ کودکان و زنان در نوزاد هلمند در نتیجهٔ بمباران ناتو به وقوع پیوست.

آیا ارمغان بُن دوم در افغانستان صلح و ثبات خواهد بود؟

با توجه به آنچه در مباحث بالا مورد بررسی قرار گرفت این پرسش به بحث و پاسخ درست نیاز دارد که آیا بن دوم راه را برای صلح و ثبات در افغانستان هموار خواهد ساخت؟

به مشکل می توان پاسخ مثبت را از لابلای مطالب مورد بحث به این پرسش ارائه کرد. اما نقطهٔ قابل اتکاء که موجب تقویت دیدگاه دسترسی به صلح و ثبات در بن دوم می شود به امضای معاهدهٔ استراتژیک میان دولت ایالات متحدهٔ امریکا و افغانستان پیش از بن دوم بر می گردد. اگر قبل از تدویر مجلس بن رئیس جمهور کرزی از طریق تشکیل لویه جرگه تأیید امضای این معاهده را بگیرد، انگیزه های دخالت همسایگان به خصوص پاکستان و ایران و انگیزهٔ جنگ طالبان بسیار کم رنگ و ضعیف می شود. هر چند برخی از تحلیلگران دیدگاه معکوس را در این مورد ارائه می کنند.

امضای معاهدهٔ راهبردی میان افغانستان و ایالات متحدهٔ امریکا که ایجاد پایگاه نظامی دایمی و یا دراز مدت امریکا نقطه اصلی این معاهده را تشکیل می دهد موقعیت و وضعیت حضور نظامی امریکایی ها را در افغانستان و رابطهٔ دولت افغانستان با امریکا را تثبیت می کند. علی رغم هر گونه حدس و گمانه زنی ها در این مورد، تثبیت دراز مدت حضور نظامی امریکا در یک معاهدهٔ روشن میان دو طرف اوضاع افغانستان را در مسیر ثبات قرار می دهد. اما گسترش و تحکیم ثبات به کارآیی دولت افغانستان و توان رهبری و مدیریت این دولت در سیاست داخلی و خارجی آن بر می گردد.

حکومت داری خوب، فساد زدایی، توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی، دیپلوماسی مؤثر و ثمر بخش، حل مشکل با همسایگان به خصوص با پاکستان و اتخاذ سیاست ملی در تمام عرصه ها از سوی دولت و رهبری آن مستلزم گسترش و تحکیم بستر و مسیر ثبات است.

اگر بن دوم نقطهٔ آغاز ثبات در افغانستان باشد، آیا دولت افغانستان و رئیس جمهور کرزی در رهبری آن قادر به تحکیم و گسترش این ثبات خواهد شد؟

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتي جمعیت اسلامي افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ یازدهم ۲۸ جوزای ۱۳۹۰ ۱۶ رجب المرجب ۱۴۳۲ - 18 Jun 2011

بلاتکلیفی در میان حکومت و پارلمان

تکساري





پارلمان کشور نسبت عدم معرفی وزیران سرپرست به رخصتی های تابستانی خود نرفتند و به حالت سکوت در داخل پارلمان به سر می برند. این حرکت یک نوع اعتراض در بی اعتنایی حکومت در برابر خواست پارلمان می باشد، به گفتهٔ دانای خراسان؛ یعنی فردوسی: این حرکت پارلمان فقط آهن سرد کوبیدن است و کاری را از پیش نه خواهد برد، این کوبیدن بر روی میز یک حرکت نمایشی و بی تاثیر می باشد؛ زیرا در طول عمر پارلمان بعد از همایش بُن، حکومت کمترین توجه را به تصامیم پارلمان نداشته است.

این پارلمان فقط خواسته است دموکراسی را به شیوهٔ منفی اش تمثیل کند و به این نظام مشروعیت بخشد. نه تنها حکومت به کم کاری شهره یافته است؛ بلکه پارلمان

ص۷

اعلامیهٔ همکاری مشترک افغانستان - پاکستان



مصباح شعیب

طوری که بر همگان مبرهن است، مناسبات دولت افغانستان با پاکستان سال هاست میانهٔ خوبی با هم نداشته و اعتماد وجود ندارند. افغانستان بارها پاکستان را متهم به حمایت از طالبان و گروه های مخالف مسلح می نماید، در حوادث مهم و خونینی که در کشور رخ می دهد، از خود عکس العمل نشان می دهد، خصوصاً بعد از کشته شدن اسامه رهبر شبکهٔ القاعده در ایبت آباد آن کشور، صدای جهانی بالای پاکستان بلند شد و همه یک صدا آن کشور را محکوم کردند که از تروریستان و رهبران آن ها در آن کشور حمایت شده است.

بعد از کشته شدن اسامه، افغانستان هم اظهاراتش قوت یافت و تأکید بر این داشت که آنچه درین دوران گفته می شد که ریشهٔ تروریزم در آنطرف مرز است، به واقعیت مبدل شد. اما حاکمیت افغانستان با سیاست های مرموزی که در پیش دارد، پاکستان و حتا طالبان را گاهی برادر و دوست خطاب می کند و زمانی که زیر فشار رخدادهای خونین در کشور قرار می گیرد، بر آن ها می تازد و هشدار می دهد.

در میان این همه کشمکش هایی که بین دو کشور به وقوع می پیوندد، بازهم رهبران دو کشور، گاهی بالواسطه و زمانی بدون واسطه باهم ملاقات می کنند، سفرهایی به کشورهای یکدیگر می داشته باشند، اعلامیه های همکاری با یکدیگر می دهند. اما به گفتهٔ ضرب المثل مشهور «همان آش است و همان کاسه».

در سفر اخیری که آقای کرزی با یک هیئت به تاریخ ۲۰ جوزای سال جاری به پاکستان رفت که وزرای خارجهٔ دو کشور اعلامیه ای را پیرامون تقویت همکاری های فراگیر میان افغانستان و پاکستان به امضاء رسانیدند. متن کامل این اعلامیه را که دارای ۲۳ بند می باشد، به نشر می رسانیم که به منصهٔ اجرا قراردادن آن را زمان پاسخ خواهد گفت.

اینهم متن کامل «اعلامیهٔ اسلام‌آباد» در رابطه به تحقق دیدگاه مشترک برای صلح، انکشاف و سعادت بین افغانستان و پاکستان:

۱. رییس جمهوری اسلامی افغانستان، جلالتمآب حامد کرزی بنابر دعوت رسمی رییس جمهوری اسلامی پاکستان، جلالتمآب آصف‌علی زرداری به تاریخ ۱۰ الی۱۱ ماه جون ۲۰۱۱، مطابق به ۲۰ الی ۲۱ جوزای سال ۱۳۹۰، بازدید رسمی از جمهوری اسلامی پاکستان به عمل آورد.

۲. رهبری هر دو کشور برادر در یک فضای دوستانه پیرامون تقویت همکاری‌های فراگیر بین افغانستان و پاکستان در راستای تحقق دیدگاه واحد برای صلح، انکشاف و سعادت هر دو کشور و در کل برای منطقه، مذاکرات مفصل انجام دادند.

۳. رهبران افغانستان و پاکستان رضایت خویش را در رابطه به پیشرفت همکاری‌های دوجانبه ابراز داشتند. درین زمینه، با تاکید مجدد روی مفاد اعلامیه‌های مشترک مورخ ۶ جنوری ۲۰۰۹ و ۱۲ مارچ ۲۰۱۰ مبنی تحکیم روابط عمیق تاریخی، فرهنگی و دینی بین دوکشور، طرفین باور مشترک خود را در راستای گشایش یک فصل جدید در روابط دو جانبه و در جهت توسعه همکاری دو طرفه در تمام سطوح، به شمول همکاری و سهمیگری مشترک هر دو کشور در امر ارتقا و بهبود همکاری‌های منطقوی به منظور تحقق صلح و انکشاف اقتصادی، ابراز نمودند.

۴. رهبری هر دو کشور پذیرفتند که بهبود کیفی روابط دو جانبه، بیانگر اعتماد کامل و تمایل مشترک در قبال اتخاذ تدابیر عملی به منظور پیشبرد، توسعه و تعمیق همکاری‌های اقتصادی و تجاری؛ افزایش ارتباطات و رشد زیربناها؛ آغاز همکاری در زمینه‌های انرژی، معادن و مینرال‌ها؛ و بالخصوص فزایش چشمگیر روابط فرهنگی منجمله روابط بین‌الپارلمانی، محصلین، جوانان و تماس‌های مردمی، به حساب می‌آید.

۵. رهبران هر دو کشور عزم راسخ خود را مبنی بر تلاش مشترک در امر تحقق صلح پایدار، امنیت و ثبات، و همچنان

ص۷

پاکستان د چلینجونو په وړاندي

رفیق بحر

په سیمه کي د ترهگری(؟) پر خلاف د جگړي سیناریو یا په بل عبارت د یوي سپړي پسي د پوستین سوځولو ډرامه نوره خپل اخري پړاوو ته داخله شویده. له کوم وخت راهیسي چي د تاکو مرض د کلي د ملك په غوا هم ولگیده نو د کلي ملك د تاکو د خپریدو او عامیدو خبره ومنله؛ د پاکستان دولت هم د کلي د ملك په څیر اوس د جگړي په تاو پوهیږي او هغه درد احساسوي چي افغانان پري مبتلاء شوي وو؛ ځکه پدغه هیواد کي اوس هره اوني د نا امنی داسي پیښي رامینځته کیږي چي له پاکستان څخه یي وار پار خطاء کړیدی؛ د تیري یکشنبي په شپه ددغه هیواد د خیبر پښتونخواه آیالت په خیبر بازار کي په یو هوټل کي دوه پرله پسي داسي چاودني رامینځته شوي چي څلویښت تنه عام پاکستاني وگړي یي د اور په لمبو کي وسوځول او نږدي د سلو تنو په شاوخوا کي یي ټپیان لرل چي پکي دوه ماشومان او پنځه خبریالان هم شامل وو.

په شمالي او جنوبي وزیرستان کي د امریکا د بي پیلوټه الوتکو لخوا د توغندیو ورولو لوبه خوا لااوس هم هماغسي جریان لري او له نوي میلادي کال راهیسي له سلو زیات خلي توغندي ورول شویدي او په هره یوه پیښه کي د اوریکو په شمول عام پاکستاني وگړی هم وژل کیږي چي پدي لړ کي د چهارشنبي په ورځ هم د جنوبی وزیرستان په وانه نومي مشهور ځاي کي څلور توغندي ورول شویدی او ویلي کیږي چي د اوریکو د یو تن مشر ملا نذیر په کسانو په یوه کور توغول شوي او بل برید بیا په شمالي وزیرستان کي په ټونس موټر ترسره شوی چي ځیني سرچیني د دوارو تلفات پنځه شپږ تنه ښایي او ځیني نوري وایي چي پنځلس تنه یوازي په لومړني برید کي وو چي پکي څلور توغندي ورول شوي وو.

بلي خواته له کویټي وروسته (چي پکي د بلوڅو او پنجابي پوځیانو ترمینځه د پټ پټوني حملي وخت نا وخته کیدي او د نا ارامی یو مرکز وو) دا دي یوځل بیا په کراچی کي د پاکستان د مهاجرینو قومي غورځنگ او د پښتونخوا عوامي گوند د منسوبینو او پلویانو ترمینځه د تاؤتریخوالي وخت نا وخته پیښو په لړ کي د چهارشنبي په ورځ هم په څو حملو کي د وژل شوو شمیره شپږ ویشت تنو ته رسیدلي او دي ورته ښایي ټپیان هم اوسي...

دا آو دي ته ورته د پاکستان هیواد په هر ولایت او سیمه کي داسي خونړی پیښي اوس د ژوند معمول گرځیدلي او سره ددي چي د یوي سپړي پسي د تول پوستین سوځولو کیسه اوس ښایي د ایبټ آباد له پیښي وروسته پای ته رسیدلي وای خو هغه د چا خبره. پاکستان د اسامه بن لادن له وژل کیدو وروسته هم اوس د افغانستان په څیر د جگړي د اور د لمبو خوراك گرځیدلی دی او له کوم وخت راهیسي چي د اسلام آباد په څلویښت کیلومتری سیمه (ایبټ آباد غونډي پوځي مرکز) کي د اسامه درك ولگیده نو له یوي خوا ټولي نړی ته یي د دوه رنگی ثبوت پیدا شو او له بلي خوا خپل ولس ته ددغه هیواد حکومت پاتی راغی او دا ددي ثبوت شو چي نور دغه هیواد خپل ملی حاکمیت له لاسه ورکړی؛ ځکه څنگه کیدای شي چي څلور اجنبي الوتکی دغي سیمي ته رسیږي او دوه ساعته عملیات ترسره کوي او د پاکستان پوخ پري نه خبریږي؛ چي لامله یي ددغه هیواد ستر درستیز جنرال اشفاق کیاني او د استخباراتو مشر جنرال پاشا د پاکستان د خلکو له منډو سره مخ دي او پري سخت فشار دي دوی اوس پدي سره د خپل ولس له غوسي څخه نه خلاصیږي چي پنځه تنه پوځي افسران (چي یو پکي جگړن هم دی) پدي جرم ونیسي چي دوی د اسامه د پیښي له رامینځته کیدو د مخه د هغو موټرونو د لمبر پلیټونو نمبري سي ایی ای ته ورکولي ځکه د امریکایي مقاماتو په وینا د پاکستان په استخباراتو کي ډیر زیات ملگري لري او دوی د ترهگری(؟) پر خلاف په گډه عملیات ترسره کوي.